

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر

شیوا تقوایی زحمت‌کش^۱

چکیده

منطقه بوشهر یکی از قدیم‌ترین لنگرگاه‌های تجاری ایران بوده است. اهمیت تجاری و ارتباطی این منطقه، فراز و نشیب‌های زیادی را در تاریخش سبب شده است. بررسی هریک از تحولات رخ داده در بندر بوشهر نیازمند آگاهی از جغرافیای تاریخی این بندر و پیشینه تاریخی مکان بروز رویداد است. در نوشتار پیش رو تلاش شده است تحولات رخ داده در این خطه مورد مطالعه قرار گیرد و چشم‌اندازی از گذر زمان بر این منطقه از دوره باستان تا اواخر دوره قاجار ارائه شود. اگرچه بندر بوشهر بندری نوین‌یاد محسوب می‌شود و از سده دوازدهم هجری با اقدامات نادرشاه افشار و پس از آن تحت اداره آل‌مذکور اهمیت سیاسی و اقتصادی فزاینده‌ای یافت، ولی شبه جزیره بوشهر پیشینه‌ای پنج هزارساله دارد که پشتوانه‌ای تاریخی برای بندر بوشهر به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: بوشهر، جغرافیای تاریخی، نادرشاه افشار، آل‌مذکور.

۱. کارشناس ارشد تاریخ، گرایش مطالعات خلیج فارس دانشگاه تهران.

موقعیت جغرافیایی بندر بوشهر

در طول سراسر سواحل شمالی خلیج فارس یعنی از دهانه تنگه هرمز تا مصب اروند رود، دشت کم‌ارتفاعی وجود دارد که با شیب ملایمی از کناره دریا تا دامنه‌های جنوبی کوههای زاگرس گسترش می‌یابد. هم‌اکنون سه استان جنوبی کشور یعنی خوزستان، بوشهر و هرمزگان در این دشت ساحلی قرار دارند.^۱ در دشت ساحلی جنوب از دیرباز بنادری مانند بندر سیراف، بندر هرمز، بندر عباس بر اثر عوامل مختلفی صاحب اعتبار و شهرت می‌شده و دیگر بنادر را تحت الشعاع خود قرار می‌داده است.

استان بوشهر با مساحتی حدود ۲۷۶۵۳ کیلومتر مربع، متشکل از ۸ شهرستان به نام‌های بوشهر، تنگستان، دیره، دشتستان، دشتی، کنگان، گناوه و دیلم است.^۲ مرکز این استان شهرستان بوشهر است به مساحت ۹۸۴ کیلومتر مربع در مدار ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی و ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی واقع است. شهر بندری بوشهر در مدار ۲۹ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی در منتهی الیه شبه جزیره صدفی مرجانی به طول ۸ تا ۱۰ کیلومتر و به عرض ۲ تا ۳ کیلومتر به شکل مثلثی مختلف الاضلاع در دل خلیج فارس قرار دارد. فاصله بندر بوشهر تا شیراز ۲۷۰، تا تهران ۱۱۱۶ و تا اهواز حدود ۵۰۰ کیلومتر و تا نزدیکترین شهرستان خود یعنی دشتستان ۷۰ کیلومتر است.^۳

به لحاظ ناهمواری‌های سطح زمین بوشهر به دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود. قسمت جلگه‌ای در امتداد خلیج فارس قرار گرفته است.^۴ دو ارتفاع در استان بوشهر به موازات یکدیگر در شرق و دیگری در غرب روبروی خلیج فارس ترسیم گردیده است. ارتفاعات نوکند که از شمال بندر دلوار تا مصب رود مند ادامه می‌یابند، سپس توسط این رود منقطع شده مجدداً بعد از رودخانه تا حوالی بندر دیر ادامه پیدا می‌کنند، آنگاه به خلیج فارس وارد شده و جزایر ایرانی جبرین،

۱. رضا دشتی، تاریخ اقتصادی- اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، تهران: پازینه، ۱۳۸۰، ص ۵۱.

۲. عبدالکریم مشایخی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ذیل واژه بوشهر، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۱-۲۲.

۳. دشتی، همان، ص ۵۳.

۴. ایرج افشار سیستانی، نگاهی به بوشهر، تهران: نسل دانش، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۷.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۳۹

نخیلو و ام الکرام را بوجود می‌آورند. ارتفاعات شرقی بوشهر گچ تراش نام دارند؛ این ارتفاعات که ادامه زاگرس است به صورت سدی در مقابل استان فارس قد علم می‌کنند.^۱

سواحل بوشهر نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ نخست سواحل مسطح و باتلاقی با آبخور کم و خور نامناسب که جهت پهلو گرفتن کشتی‌های بزرگ تجاری و جنگی نامناسب است. در این نوع سواحل، که بیشتر سواحل شمالی استان بوشهر را تشکیل می‌دهند، تنها کشتی‌های با آبخور پایین امکان پهلو گرفتن دارند. دوم سواحلی که بیشتر در سمت جنوب استان بوشهر قرار دارند؛ عمق دریا در کنار این سواحل به دلیل نزدیک شدن سلسله ارتفاعات به سواحل افزایش می‌یابد. این سواحل بیشتر سنگی هستند و شرایط لازم برای احداث اسکله و بندرگاه را، بیش از سواحل دسته نخست، دارا می‌باشند.^۲

موقعیت جغرافیایی استان بوشهر، موقعیت منحصر به فردی است. گستردگی مرزهای بوشهر با دریا، ارتباطات بازرگانی وسیع این بندر با کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای جنوب شرقی و شرق دور را، در طول تاریخ موجب شده است. در داخل ایران نیز، بندر بوشهر به دلیل مرکزیتش در بین بنادر جنوب، نزدیکی به استان فارس و دسترسی به نواحی داخلی ایران، همواره دارای موقعیت مناسب تجاری بوده است.

قدمت تاریخی بندر بوشهر

بوشهر یکی از بنادر قدیمی کشور ایران است. براساس کشفیات باستانشناسی، قدمت بوشهر به پنج هزار سال پیش می‌رسد. اما اهمیت باستانی ناحیه بوشهر به دلیل همجواری با بنادر باستانی خلیج فارس، که روزگاری بسیار آبادتر و با اهمیت‌تر از بوشهر بوده‌اند، است. بوشهر تا سال ۱۷۳۴ م / ۱۱۴۷ ق یک دهکده صیادی کم‌اهمیت و بندر کوچکی بود که تاحدودی از اهمیت محلی برخوردار بود و تنها بعد از این زمان بود که این بندر از اهمیت و اعتبار سیاسی و اقتصادی چشمگیر و فزاینده‌ای برخوردار شد.^۳ اگرچه بوشهر در شبه جزیره‌ای واقع شده است که قدمت سکونت انسان در آن به پنج هزار سال پیش می‌رسد، با این وجود این شهر، بندری نوین‌یاد است.

۱. بهادر زارعی و عبدالصمد دولاح، بوشهر در امنیت ملی اسلامی ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. ویلم فلور، ظهور و سقوط بوشهر، مترجم حسن زنگنه، تهران: طلوع دانش، ۱۳۸۷، ص ۹.

اما اگر مراد، جستجوی پیشینه تاریخی شبه جزیره بوشهر باشد، باید ابتدا از بندر لیان سخن گفت. بوشهر از روزگار عیلامیان تاکنون به نام‌های لیان، میزامبریا، بخت اردشیر، رام اردیشهر، ریشهر، زیضهر، البوشهر، نادریه و بوشهر خوانده شده است.^۱

شبه جزیره بوشهر در عهد باستان

در هزاره سوم پیش از میلاد، بخش‌های ساحلی خلیج فارس حد فاصل استان‌های خوزستان و بوشهر تحت حکومت ایلامی‌ها قرار داشت؛^۲ ناحیه بوشهر کنونی از مراکز مهم امپراطوری ایلام بوده است که در آن زمان لیان نامیده می‌شد.^۳ ایشان جزیره لیان^۴ بوشهر امروزی، که می‌توانست برایشان پایگاه دریایی باشد را اشغال کرده بودند.^۵ لیان از چنان اهمیتی برخوردار بود که «شاه انشان و شوش» همواره در پی گسترش سرزمین خود تا جزیره مزبور بوده است.^۶ ویرانه‌های شهر باستانی لیان، اکنون در یازده کیلومتری جنوب بندر بوشهر قرار دارد.^۷

در اواخر عهد ایلام، یعنی اوایل هزاره سوم پیش از میلاد، در قسمت جنوبی شبه جزیره‌ای که اکنون بندر بوشهر در آن قرار دارد، یکی از مراکز آبادانی و تمدن قدیم وجود داشت که به نام بندر ریشهر خوانده می‌شد.^۸ ریشهر بر سر راه دریایی شوش به مهرانجودارو، از مراکز باستانی معروف و مهم در جانب غربی رود سند در پاکستان است؛ کاوش‌های باستان شناختی فرانسویان در سال ۱۲۹۲ ه.ش/۱۸۷۵ م. محل مذکور را با محلی که در دوره ایلام، لیان نامیده می‌شد، یکی دانستند.^۹ ریشهر حوزه معروف صید مروارید و محل مناسبی برای قرارگاه کالاها و مرواریدهای

۱. ایرج افشار سیستانی، پژوهش در نام شهرهای ایران، تهران: روزنه، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷.

۲. محمدباقر وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۷.

۳. افشارسیستانی، همان، ص ۱۸۹.

4. Liyan

۵. پیر آمیه، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۵۲.

۷. حسین شهیدی مازندرانی، فرهنگ نام‌های جغرافیایی باستانی ایران و سرزمین‌های همسایه، تهران: بلخ، ۱۳۹۱، ص ۴۸۲.

۸. احمد اقتداری، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹.

۹. حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، تهران: میعاد، ۱۳۷۵، ص ۲۱۴.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۴۱

صادراتی در زمان خود بوده است.^۱ در زمان اردشیر بابکان شهر رام اردشیر در هشت کیلومتر بوشهر ایجاد شد که اکنون خرابه‌های آن به نام ریشهر شناخته می‌شود. عرب‌هایی که از این ناحیه به داخل ایران رخنه کرده بودند آن را ریشهر^۲ نامیدند^۳ و یونانیان آنرا کرسونئوس^۴ خوانده‌اند.^۵

بوشهر در دوره اسلامی

ریشهر در زمان خلیفه دوم، عمر، مفتوح اعراب مسلمان گشت. بنا به گزارشی که حافظ ابرو از فتح ریشهر ارائه می‌کند، غنیمت بسیاری از فتح ریشهر به دست مسلمانان افتاد؛^۶ این غنایم، نشان از رونق و آبادانی بندر ریشهر در هنگامه ورود اسلام به ایران داشته است. مسلمانان برای فتح کردن ریشهر متحمل سختی بسیار شدند؛ جنگ سختی که میان لشگر ایران و اعراب درگرفت، «وقعه ریشهر» و یکی از ایام العرب نامیده شد. اعراب این جنگ را در سختی و عظمت مانند جنگ قادسیه دانسته‌اند.^۷

گشوده شدن بندر پرونق ریشهر به دست مسلمانان، تاثیر به‌سزایی بر روند فتوحات مسلمانان داشت؛ فتح ریشهر چنان اهمیتی برای خلیفه مسلمانان، عمر در مدینه داشت که پس از آن توانایی فتح فارس را در سپاه اسلام دید و به عثمان بن ابی‌العاص فرمان داد که عمان و بحرین را رها کند و به مدد لشکر مسلمانان در فارس برود.^۸

اما پس از خساراتی که در جریان فتوحات اسلامی به این بندر آباد خلیج فارس وارد شد، بندر ریشهر دچار رکود کامل نشد و تا زمان سلجوقیان همچنان پایدار ماند؛ ابن‌بلخی مولف قرن ششم

۱. یوزف مارکوات، ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس، تهران: طهوری، ۱۳۸۳، ص ۴۶.

2. Rizahr

۳. افشار سیستانی، همان، ص ۱۸۹.

4. Kersuneus

۵. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵.

۶. شهاب‌الدین عبدالله خوافی، جغرافیای حافظ ابرو، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۳.

۷. محمدحسین سعادت، تاریخ بوشهر، تصحیح عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکامی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰، ص ۱۴.

۸. حافظ ابرو، همان.

۴۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

هجری قمری در فارسنامه از قلعه آن ذکری به میان آورده و می‌گوید در آنجا کشتی می‌سازند.^۱ از میان جغرافی‌دانان، اولین کسی که از بوشهر نام برده، یاقوت حموی بوده است. وی این شهر را با نام «بوشر»^۲ ضبط کرده است و موقعیت جغرافیایی آنرا، بنا به گفته بلاذری، روبروی توج تخمین زده است.^۳ یاقوت این بندر را جزء اعلام جغرافیایی خود ضبط نکرده و آن را ذیل بحر فارس و شرح سواحل میانه سینیز و نجیرم نوشته است و بعد از یاقوت نیز کسی در جای دیگری متذکر نام این بندر نشده است.^۴

سال‌ها پس از رکود بندر ریشهر، بندر بوشهر می‌رفت تا به بندر معتبری در خلیج فارس تبدیل شود. ابن بلخی در توصیف راه‌های کاروانی و پستی خلیج فارس به مرکز ایران و بالعکس می‌گوید که این راهها به بوشهر منتهی می‌شده‌اند^۵ و این خود نشانه خوبی برای پی بردن به امنیت تجاری بوشهر، در قرن ششم هجری و مدت‌ها پیش از اعتبار یافتن این بندر از سوی نادر شاه افشار است. این امنیت زمینه‌ساز انتخاب بندر بوشهر برای تبدیل به بندر اصلی خلیج فارس، در دوره افشاریه بوده است.

شروع به کار کمپانی‌های تجاری در بندر بوشهر

در خلال مدتی که ایران در اشغال افغان‌ها بود، نواحی نزدیک بندرعباس شدیداً دستخوش ناامنی و هرج و مرج گردید. در سال ۱۱۴۰ ه.ق/ ۱۷۲۸ م. افغان‌ها به سوی بندرعباس روی آوردند و به هلندی‌ها شدیداً یورش بردند و سپس به غارت نمایندگی بریتانیا پرداختند.^۶ با افول بندرعباسی در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری بخش عمده‌ای از تجارت دریایی خلیج فارس، که عمدتاً توسط کمپانی هند شرقی هلند، انگلیس و تجار محلی ایران رونق

۱. ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۱.

2. Busher

۳. گی لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: نگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۳۷، ص ۲۸۱.

۴. توکلی مقدم، همان، ص ۲۱۳.

۵. ابن بلخی، همان، ص ۴۵۸.

۶. ج.ج لوریمر، راهنمای خلیج فارس تاریخ و جغرافیای بوشهر، ترجمه سید محمدحسن نبوی، شیراز: نویدشیراز، ۱۳۷۹، ص ۲۲.

جغرافیای تاریخی بندربوشهر ۴۳

داشت، به نواحی دیگری از خلیج فارس منتقل شد. بندر ریگ، جزیره خارک و بندر بوشهر از جمله کانون‌هایی بودند که مورد توجه قرار گرفتند و به این ترتیب دوره جدیدی را در حیات اقتصادی خود آغاز کردند. در این میان بندر بوشهر بیشترین بهره‌ها را نصیب خود کرد و به تدریج به عنوان کانون اصلی تبادلات در بخش شمالی خلیج فارس و رقیب اصلی و جدی بندربصره شد.^۱

نادرشاه افشار و بندربوشهر

در سال ۱۱۴۷ه.ق/۱۷۳۵م. نادرشاه افشار برای امنیت خلیج فارس و پیوند جزیره‌ها با کرانه‌های خلیج فارس، در اندیشه ایجاد نیروی دریایی برآمد؛ وی لطیف خان دشتستانی را به حکومت کل کرانه‌ها، بندرها، جزیره‌های جنوب، دشتستان و شولستان برگزید. لطیف خان محل کنونی شهر بوشهر را که در آن زمان یک آبادی کرانه‌ای بود را برای مرکز عملیات فرماندهی خود انتخاب کرد و شهر ریشهر را به این محل منتقل ساخت و در آن ساختمان‌هایی بنا کرد و نام آنجا را به بندر «نادریه» تغییر داد، ولی پس از نادرشاه بوشهر خوانده شد.^۲

نادرشاه افشار موفق شد در سال ۱۱۴۹ه.ق/۱۷۳۷م. کلیه کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس را بار دیگر تسخیر کند.^۳ در این اثنا شورشی در فارس رخ داد؛ اگرچه نادر شاه آنرا فرونشاند ولی سران شورشی به یکی از جزایر خلیج فارس پناه بردند و برای نخستین بار اهمیت نیروی دریایی در برابر چشم نادر مجسم گشت و از کمپانی هلندی و انگلیسی هند شرقی تقاضا کرد کشتی‌هایی به وی کرایه دهند تا بتواند سران شورشی را دستگیر سازد؛ سران شرکت به راست یا دروغ اظهار کردند که اگر درخواست نادر را بپذیرند، تجارت آنها در مسقط و جزایر متعلق به اعراب و عثمانیان دچار خسارت خواهد شد.^۴ نادر برای حفظ متصرفات خود نیاز به ناوگان نظامی مستقل از بیگانگان داشت.

۱. وثوقی، همان، ص ۳۴۸.

۲. افشار سیستانی، نگاهی به بوشهر، ج ۱، ص ۳۴.

۳. ایرج افشار سیستانی، خلیج فارس و کشورهای جنوبی آن، تهران: قلم آشنا، ۱۳۸۰، ص ۷۸.

۴. لاکهارت، نادرشاه، ناپلئون شرق، سخنرانی دکتر لاکهارت در انجمن همایونی آسیایی لندن، تهران: بنیاد، ۱۳۶۹، ص ۱۷۹.

تقاضاهای مکرر فرماندهان نادرشاه از انگلیسی‌ها و هلندی‌ها برای خرید کشتی جنگی و حمل‌ونقل و عدم موافقت آنان با این امر، نادرشاه را مصمم ساخت که عملیات ساخت کشتی در بوشهر را آغاز کند. حتی زمانی که نادر به اختلالات فکری دچار شد، هنوز خیال ترقی و تقویت ایران را در خاطر داشت. بسیار مایل بود که بازار تجارت مملکتش گسترش یابد، و چنین می‌پنداشت که اگر جهازهای تجارتهای ترتیب دهد، باعث ازدیاد دولت و اقتدار ملت و مملکت خواهد بود؛ وی حکم کرد تا کشتی‌های تجارتهای در خلیج فارس ترتیب دهند. و دستور داد تا چوبی که به جهت ساخت کشتی‌ها لازم است، از مازندران به بوشهر حمل کنند. رعایای دهات مابین مجبور بودند که به این کار، که هرگز صورت نگرفت، مدد کنند.^۱ با اینکه اقدامات گسترده نادرشاه برای تشکیل ناوگان دریایی و ساخت کشتی در بوشهر به انجامی نرسید،^۲ اما نادر شاه با کمال اصرار به توسعه ناوگان خود پرداخت وقتی در ایران از اجرای این مقصود عاجز گشت و به ناچار راه پرهزینه‌تر، که سفارش به سورات هند بود را انتخاب نمود. بالاخره نادر شاه توانست ناوگانی قوی مرکب از سی کشتی و چندین قایق در خلیج فارس بوجود آورد. لنگرگاه این سفاین بندرعباس و بوشهر بود. اما جنگ با عثمانی و عصیان‌های داخلی نادر را از تکمیل نهائی تقویت ناوگان خود بازداشت و کم‌کم غفلت مأموران، به تدریج آن را از بین برد. به‌حدی که تا یکی دو سال بعد از کشته شدن این پادشاه ناوگان قدرت خود را به‌کلی از دست داد.^۳ اما به هر حال، بوشهر از آن زمان به مدت یک‌صد و پنجاه سال به عنوان مهم‌ترین بندر خلیج فارس، جایگزین بندرعباس گردید.^۴

نادر در خلیج فارس نیز برای تشکیل نیروی دریایی بذل مساعی نمود. او بیست فروند کشتی که پرتغالی‌ها و هندیان آنرا اداره می‌نمودند، به آب انداخت و نفوذ و نیروی ایران را در آن منطقه که شبیهی بیش نبود، به شکل حقیقت درآورد. علاوه بر آن، نادر در آنجا یک اسکله هم

۱. ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی، ایران در زمان نادر شاه، ترجمه رشید پاسمی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. وثوقی، همان، ص ۳۱۳.

۳. مینورسکی، همان، ص ۳۶۴.

۴. راجرز. ام سیوری، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۷، ص ۷۰.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۴۵

ساخت و برای حمل الوار از سرتاسر ایران تا آنجا برای استفاده کشتی‌سازان تلفات انسانی زیادی وارد شد.^۱ وی با گماردن یک تاجر انگلیسی به نام «جان التون» بوشهر را به صورت یک مرکز مهم کشتی‌سازی و پادگان نظامی درآورد.^۲ در دوره نادرشاه به سبب آرامش و ثبات نسبی که بر ایران حکمفرما بود، هلندی‌ها بندر ریگ را مرکز تجاری خود قرار دادند.^۳ در دوره افشاریه به هلندیان آزادی بازرگانی در بوشهر داده شد. به هلندیان اجازه داده شد که برای خود در بوشهر خانه ساخته و در هرجا که مایل باشند، در فاصله میان شهر و قلعه نادریه برای خود نوکران و اقامتگاه‌هایی داشته باشند.^۴

تسلط قدرت‌های محلی بر بندر بوشهر

حکومت بوشهر، در سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۱۵۰ه.ق/ ۱۷۰۰ تا ۱۷۵۰م. مطیع خاندانی منصوب به طایفه مطاریش سنی‌مذهب در عمان بود. اما در زمان سلطنت نادرشاه، بزرگ این خانواده، به نام ناصر، پسر شیخ مذکور، به همراه تمام خاندانش به مذهب شیعه گرایید. به این امید که نادرشاه او را به فرماندهی ناوگانی که در سواحل بوشهر فراهم آورده بود، بگمارد.^۵ به دنبال مرگ نادرشاه، سران قبایل مختلف عرب در خلیج فارس کوشیدند تا از خلأ قدرت به‌وجودآمده استفاده کرده، قدرت خود را بسط دهند. شیخ ناصر آل‌مذکور هم یکی از این افراد بود. وی در سال ۱۷۵۱م. استقلال سیاسی خود را اعلام کرد و روابط خود را با طوایف دشتستان تحکیم کرد، دیگر طوایف نیز حالت تهاجمی به خود گرفتند. اعراب هوله از ملا علی شاه، حکمران بندرعباس، دعوت کردند تا علیه بوشهر با آنها هم‌دست شود. در این زمان شه‌بندر، یا نماینده گمرک، در بوشهر شخصی ارمنی موسوم به خواجه مالک بود. وی به عنوان نماینده شه‌بندر بندرعباسی، محمدعلی بیگ، عمل می‌کرد.^۶

۱. مینورسکی، همان، ص ۴۶۸.

۲. رضا دشتی، همان، ص ۵۶.

۳. احمد دشتی، نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر، بوشهر: کنگره بزرگداشت یکصدمین سالگرد تأسیس مدرسه سعادت، ۱۳۷۸، ص ۱۳.

۴. ویلم فلور، حکومت نادرشاه، به روایت منابع هلندی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۶۸، ص ۱۵۹.

۵. لوریمر، همان، ص ۲۷.

۶. ویلم فلور، تاریخ بوشهر از صفویه تا زندیه، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: شروع، ۱۳۸۹، ص ۸۸-۹۵.

۴۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

کمپانی هند شرقی هلند، تشکیلات تجاری اش را در بوشهر، در سال ۱۷۴۷م. به صورت بخشی از تشکیلات بصره درآورد. این کمپانی با این کار تجارت بوشهر را با تجارت بصره مربوط می‌ساخت. این جابجایی‌ها به ضرر شیخ ناصر آل مذکور تمام شد؛ چراکه تجارت بندر بوشهر را به تجارت بندر بصره وابسته می‌کرد. شیخ ناصر در پاسخ به این عمل، با پاشای بغداد علیه هلندی‌ها مکاتبه کرد؛ وقتی هلندی‌ها از این مکاتبات مطلع شدند، مصمم گشتند تا تشکیلات تجاری خود را در بوشهر تعطیل کنند و به رغم کارشکنی‌های شیخ ناصر آل مذکور در تحریک دیگر بنادر علیه هلندی‌ها، در سال ۱۷۵۳م. تشکیلات تجاری خود را در خارک مسقر کردند.^۱

تأسیس شهر جدید بوشهر تحت نظر آل مذکور

در سال ۱۱۵۰ه.ق شیخ ناصر ابومهیبری آل مذکور (ناخدا باشی کشتی‌های نادرشاهی در خلیج فارس) طرح شهر جدید، یعنی بوشهر جدید را به اجرا گذاشت. اداره بندر بوشهر طی سالهای ۱۱۵۰ه.ق-۱۲۷۲ه.ق، یعنی در عهد نادرشاه، دوره زندیه و همچنین تا نیمه اول پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، در دست خاندان آل مذکور بود. پس از آنکه میرزا مویدالدوله، والی فارس، شیخ نصرخان دوم را عزل کرد، حکومت آل مذکور برچیده شد و از آن پس والیان فارس خود حاکمان بوشهر را برمی‌گزیدند.^۲

بوشهر که تحت حکمرانی شیخ ناصر، حکومت زندیه را تأیید می‌کرد، امنیتی پیدا کرد که در سایه آن تجارت بوشهر ترقی کرد. اما هنوز هم روابط کریم‌خان زند و حکام محلی آن بندر از شفافیت برخوردار نبود. در جریان شورش میرمهنای بندرریگی، شیخ ناصر بوشهری، با کریم‌خان زند متحد شد و در ازای این همکاری، عنوان پرافتخار و منصب دریابگی ناوگان ایران در خلیج فارس را دریافت کرد.^۳

ناوگان ایران در خلیج فارس در دوره زندیه بازمانده ناوگان نادری بود. با قتل نادر در سال ۱۱۶۰ه.ق نیروی دریایی او بین حاکم بوشهر و بندرعباس تقسیم شده بود. شیخ ناصرخان

۱. همان، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۲. احمد دشتی، همان، ص ۱۳.

۳. گرمون استفان رای، چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه، قم: همسایه، ۱۳۷۸، ص ۷۰.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۴۷

آل‌مذکور پس از مرگ شاه، کشتی‌ها و ناوگان مستقر در بوشهر را متصرف شد و حکومت مقتدرانه‌ای برای خود در بوشهر تدارک دید.^۱ وی با این اختیارات عملاً دریایی ایران در خلیج فارس محسوب می‌شد، اما اعطای این لقب از طرف کریم‌خان زند روابط متزلزل خان زند با حکمران بوشهر و جایگاه شیخ ناصر را در ناوگان دریایی ایران تثبیت کرد.

علی‌رغم اتحاد نظامی شیخ ناصر و کریم‌خان زند، به لحاظ سیاسی، کریم‌خان در پی کاهش و محدود ساختن قدرت حاکم محلی بوشهر بود. هرچند که وی لشکرکشی مستقیمی علیه آنان انجام نداد، ولی از قبایل و قوای محلی دشتستان علیه آنان بهره برد، تا حکام محلی بوشهر بیش از اندازه قدرتمند نشوند.

کریم‌خان علاقمند بود که بندر بوشهر رونق تجاری پیدا کند و خلأ بندرعباسی را پر نماید؛ حمایت گاه و بیگاهی که وی از حکام محلی بوشهر می‌کرد، در راستای سیاست تقویت اقتصادی بوشهر بود.^۲ شیخ ناصر آل‌مذکور توانسته بود به نام کریم‌خان زند، مناطقی را در سواحل بوشهر تحت سلطه خود درآورد و فرزندان وی در قبال تضمین رفتار پدرشان نزد کریم‌خان به عنوان گروگان به سر می‌بردند. کریم‌خان که از شیخ ناصر وثیقه مطمئنی در دست داشت، به وی اجازه داد تا در قبال وفاداری اش به دولت زندیه و پرداخت خراج، در امور داخلی بوشهر مستقل عمل کند.^۳

کمپانی‌های تجاری در بندر بوشهر در دوره زندیه

در دوره کریم‌خان زند، نفوذ و تسلط هلندی‌ها در خلیج فارس رو به انحطاط رفت. در سال ۱۷۵۳م. بساط تجارت آنان در بصره به کلی برچیده شد و چند سال بعد، از بوشهر و بندرعباس نیز خارج گردیدند. انگلیسی‌ها که در بصره با اجازه عثمانی، و در بوشهر با اجازه کریم‌خان، تجارتخانه تاسیس کرده بودند، جایگزین هلندی‌ها گردیدند. آنها تا سال ۱۷۷۶م. کاملاً در بوشهر مستقر شدند و تجارتخانه خود را در بصره تعطیل کردند. چرا که با حمله کریم‌خان زند

۱. رضا دشتی، همان، ص ۵۷.

۲. حمید اسدیور، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳.

۳. فلور، ظهور و سقوط بوشهر، ص ۲۳.

۴۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

به بصره و تصرف بصره توسط وی، انگلیسی‌ها ناچار شدند در جنگ بین ایران و عثمانی دخالت کرده و از کریم‌خان جانبداری کنند. طبیعتاً پس از بازپس‌گیری بصره توسط حکام عثمانی، در بصره دیگر جایی برای نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس در بصره باقی نمانده بود. از آن تاریخ بوشهر مرکز عمده فعالیت انگلیسی‌ها در خلیج فارس شد.^۱

تجار هلندی که در سال ۱۶۲۳م. روابط خود تجاری خود را با ایران شروع کرده بودند، پس از قتل نادرشاه ایران را ترک کردند و بصره را مرکز تجارت خود قرار دادند، اما پس از مدتی در اثر دسیسه رقبای انگلیسی و به منظور نزدیکی بیشتر با دهانه خلیج فارس تأسیسات خود را به خارک منتقل کردند.^۲

آغاز حضور سیاسی انگلستان در بوشهر

با ظهور کریم‌خان زند و پایان دوره هرج و مرج ناشی از مرگ نادرشاه، بوشهر وارد مرحله تازه‌ای شد. در سال ۱۱۷۷ه.ق انگلیسی‌ها با حمایت شیخ نصرخان قرارداد معروفی با کریم‌خان زند و حکمران بوشهر منعقد کردند که در واقع سنگ بنای حضور نظامی و استعماری انگلستان در جنوب ایران و خلیج فارس بود. با پیشرفت خوبی که بوشهر در سال‌های اخیر داشت، دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی بر آن شد تا روابط خود را با شیخ بوشهر آغاز کند.^۳ بدین ترتیب بوشهر در زمان کریم‌خان زند به رقیب قدرتمندی برای بندر بصره، در عراق تبدیل شد؛ در این زمان بازرگانان بوشهر قسمت عمده بازرگانی خلیج فارس و اقیانوس هند را به دست گرفتند.^۴

در سال ۱۷۵۰ م. هرج و مرج شدیدی بر بندرعباس سایه افکند. ایل بختیاری، فسا، داراب و جهرم را اشغال کرد. در همین زمان احمدشاه ابدالی بر شیراز دست یافت. وی فرستادگانی به سوی مسئولان ایرانی در نقاط نزدیک بندرعباس فرستاد و خواستار مقادیر زیادی غلات و اموال شد. هرج و مرج در بندرعباس یک سال بعد به اوج خود رسید و بازرگانان به صورت گروه‌های بزرگ شروع به مهاجرت از بندرعباس کردند.^۵ شرایط بحرانی در بندرعباسی و پس‌کرانه‌های آن

۱. سر آرنولد ویلسن، تاریخ خلیج فارس ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۲۱۶.
۲. حسن زنده‌دل، استان بوشهر، تهران: ایرانگردان، ۱۳۷۷، ص ۲۷.
۳. امین عبدالامیر، منافع بریتانیا در خلیج فارس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱.
۴. شناخت شهرهای ایران شهر، همان، ص ۲۴۷.
۵. لوریمر، همان، ص ۲۵.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۴۹

موقعیت حساسی را برای تجارت انگلستان در منطقه به وجود آورد. نماینده کمپانی در سال ۱۱۶۳ ه.ق/۱۷۵۰م. طی نامه‌ای به بمبئی، مقر اصلی کمپانی هند شرقی انگلیس، نوشت که اوضاع در ایران آن چنان بحرانی است که بهتر است انگلیسی‌ها ناوگان دریایی ایران را تصرف کرده و جزیره‌ای را در خلیج فارس برای استقرار خود به اشغال در آورند.^۱ سایر تجار انگلیسی نیز تجارتخانه‌های خود را در بندرعباس، در اواخر سلطنت کریم‌خان زند، به سبب اجحاف و تعدیات نصیرخان لاری، بستند و فعالیت‌های تجاری خود را به بوشهر منتقل کردند.^۲

در سال ۱۷۶۳م. پرایس نماینده کمپانی هند شرقی، برای امضای موافقت‌نامه‌ای با شیخ سعدون، شیخ بوشهر، وارد مذاکره شد. بر اساس این معاهده تجاری، اتباع انگلیسی اجازه فعالیت تجاری در بوشهر یافتند و از شیخ بوشهر تعهد گرفتند که به دیگر اروپائیان، تا زمان حضور بریتانیایی‌ها اجازه تأسیس نمایندگی ندهند.^۳ تا پیش از نیمه قرن هجدهم میلادی، شرکت هند شرقی از تجارت در این بندر به سود قابل توجهی دست می‌یافت. در گزارش منستی و جونز^۴ چنین آمده است که محموله‌های بزرگ از کالاهای بنگال در بوشهر انبار می‌شده است تا در زمان مناسب بدون پرداخت گمرک به حاکم بصره، به سواحل شرقی مدیترانه فرستاده شود.^۵ اما در اواخر قرن هجدهم میلادی با شیوع طاعون در بصره عواید شرکت هند شرقی بریتانیا با این بندر به حداقل رسید و کارگزاران این شرکت به رونق تجارت در سواحل شمالی خلیج فارس از جمله بوشهر امیدوار بودند.^۶

۱. وثوقی، همان، ص ۳۴۷.

۲. تاریخ بوشهر، همان، ص ۱۷.

۳. عبدالامیر، همان، ص ۱۱۱.

4. Manesty & Jones

- منستی در سالهای ۱۸۰۰ و ۱۸۱۰م به عنوان نماینده حکومت بریتانیا در هند به ایران سفر کرده است. سرهارد فورد جونز نیز از کارگزاران شرکت هند شرقی بریتانیا در بصره بود که به زبان فارسی تسلط داشت و نامه‌های وی به شرکت، از توجه او به اوضاع ایران در سالهای پس از مرگ کریم‌خان زند حکایت می‌کند.
۵. صفورا برومند، «رکود تجاری بوشهر و سواحل شمالی خلیج فارس به روایت اسناد شرکت هند شرقی بریتانیا ۱۸۰۰-۱۷۹۰م» منتشر شده در مجموعه مقالات همایش ملی: نقش اسناد در تاریخ‌نگاری استان بوشهر، بوشهر: زمزه‌های روشن، ۱۳۹۰، ص ۱۹.
۶. همان، ص ۲۲-۲۴.

۵۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

پس از مرگ کریم‌خان زند، شیخ ناصر آل‌مذکور هم که از طریق تجارت با هند و مسقط ثروت هنگفتی فراهم آورده بود، درگذشت و تمام دارایی او به فرزندش شیخ ناصر ثانی به ارث رسید. لطفعلی خان زند که برای مقابله با نیروی قدرتمند قاجار نیاز به منابع مالی بیشتری داشت، دارایی شیخ ناصر ثانی را غصب کرد؛ از این رو شیخ ناصر ثانی در درگیری‌های میان لطفعلی خان زند و آغامحمد خان قاجار، از لطفعلی خان جانبداری نکرد و مانع از ورود او به بوشهر شد. این اقدام موجب شد تا شیخ ناصر ثانی در دولت قاجار از جایگاه مطلوبی برخوردار شود. وی علی‌رغم اینکه در دوره قاجار، به سلطه حکمران فارس گردن نهاده بود، اما می‌کوشید تا دولت مرکزی ایران را از دخالت در امور داخلی بوشهر دور نگه دارد.^۱

بندر بوشهر در دوره قاجار، خروج از نظام اجاره‌داری

از اوایل دوره قاجار به بعد، بندر بوشهر از صورت یک بندر واقع در مسیر به یک بندرگاه مبادلات کالا و بندر اصلی ایران در سواحل خلیج فارس تبدیل شد.^۲ رابطه بین قاجارها و آل‌مذکور به سرعت از حمایت اولیه به کشمکش و دشمنی کشیده شد. در سال ۱۲۲۰ ه.ق/ ۱۸۰۷ م. کشمکش مالیاتی بین حکومت شیراز و آل‌مذکور باعث شد تا حکومت شیراز به محمدنبی خان، که در آن زمان وزیر ایالت فارس بود، اجازه داد تا بوشهر را تسخیر و آل‌مذکور را از آن بندر بیرون کنند.

آل‌مذکور پس از سه سال دورباره حاکمیت بوشهر را به دست آورد ولی رابطه آنان با قاجار دستخوش تغییر گشته بود. در سال ۱۲۲۰ ه.ق/ ۱۸۰۷ م. شیخ نصیر درحالی‌که مناسک حج را به جا می‌آورد، در مکه درگذشت و به دنبال آن در بوشهر، برای تعیین جانشین جنگ در گرفت. نهایتاً شیخ عبدالرسول، فرزند شیخ ناصرثانی مورد تایید حکمران بوشهر قرار گرفت.^۳ شیخ عبدالرسول خان، بلوک دشتی و دشتستان را ضمیمه بوشهر نمود؛ اما در سال ۱۲۲۰ ه.ق/ ۱۸۰۷ م. به شیراز احضار و از حکومت بوشهر برکنار گردید و پسرش، شیخ نصر خان دوم، پس از سال‌ها کشمکش، توسط میرزا معزالدله، والی فارس، به حکومت بوشهر و مضافات رسید.

۱. فلور، ۱۳۸۷، ص ۲۵.

۲. وثوقی، همان، ص ۳۸۸.

۳. استفان رای، همان، ص ۹۰.

جغرافیای تاریخی بندر بوشهر ۵۱

در سال ۱۲۶۶ه.ق/۱۸۵۳م. که فیروز میرزا نصرت الدوله، بزرگ والی فارس گردید، شیخ نصرخان را به شیراز فراخواند و سپس به تهران فرستاد. وی حکومت بوشهر و مضافات را به میرزا حسینعلی خان نصیرالملک، پسر علی اکبرخان قوام الملک شیرازی که بعدها ملقب به دریابگی شد، واگذار نمود از آن پس حکمرانی بوشهر از دست خاندان آل مذکور خارج شد و حاکم و فرمانداران این بندر از طرف والیان فارس اعزام می گردیدند.^۱

خاندان آل مذکور از سال ۱۱۵۳ه.ق/۱۷۴۰م. تا سال ۱۲۶۶ه.ق/۱۸۴۹م. به عنوان قدرتمندترین و بانفوذترین خاندان سیاسی-اجتماعی بوشهر، نقش موثری را در امور اقتصادی و سیاسی منطقه ایفا نمودند. ظلم و اجحاف مالیاتی این خاندان و گرفتن انحصار تجارت بوشهر در اختیار خود، از عواملی بودند که در برکناری این خاندان از حاکمیت بوشهر نقش داشتند.^۲ اما عامل اصلی، انتصاب امین السلطان به وزارت گمرک و خزانه در دوره ناصرالدین شاه بود. طرحی که وی به اجرا درآورد باعث شد تا حکومت بنادر جنوبی ایران، از اجاره‌داری خارج و از حکومت فارس هم مستقل شود. و کلیه سواحل ایران تحت نظارت عالی حاکم بنادر و جزایر خلیج فارس قرار بگیرد.^۳ پس از خارج شدن بوشهر از سلطه آل مذکور، تا انتهای دوره قاجار، دو اتفاق مهم در بوشهر رخ داد که ذکر آنها به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است.

نخست حمله خوانین دشتستان و تنگستان به بوشهر که در سال ۱۲۴۶ه.ق اتفاق افتاد. این خوانین که از نواب تیمور میرزا حسام الدوله بودند، با چندین هزار نیرو بندر بوشهر را محاصره کردند و بعد از دو روز آن بندر را متصرف شدند. در پی این حمله، عبدالرسول خان آل مذکور، حاکم بندر بوشهر فرار کرد.^۴

دوم، حمله انگلیس به بوشهر در سال ۱۲۵۴ه.ق/۱۸۳۷م. پس از حمله محمدشاه قاجار به هرات در سال ۱۲۵۴ه.ق/۱۸۳۷م. طرح اشغال نظامی بوشهر و جزیره خارک، در دستور کار نیروی دریایی بریتانیا و هندوستان قرار گرفت. در حمله اول انگلیس موفق شد بوشهر را به طور کامل به اشغال خود درآورد. شیخ حسن آل‌عصفور مجتهد بوشهر اعلام جهاد نمود؛ شیخ

۱. اسمعیل نوری‌زاده بوشهری، نظری به ایران و خلیج فارس، بی نا، بی تا، ص ۷۵-۷۶.

۲. وثوقی، همان، ص ۴۳۴-۴۳۷.

۳. همان، ص ۴۷۸-۴۷۹.

۴. میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ص ۷۴۶-۷۴۷.

۵۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

سلمان برادرزاده او و باقر خان تنگستانی، با اهالی بوشهر ازدحام نموده، تمامی سربازها و بالیوز را از شهر اخراج نمودند. در این میان چندین نفر از طرفین کشته شد.^۱

پس از مرگ محمدشاه قاجار و به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه، مجدداً مسأله هرات و اختلافات ایران و انگلیس بالا گرفت. کابینه انگلستان در ۱۲۷۲ه.ق/۱۸۵۶م. تشکیل جلسه داد و ضمن تصویب طرح حمله به بوشهر و خارک، به فرماندار هندوستان دستور داد تا برای حمله به خلیج فارس آماده شود.^۲ نیروی دریایی بریتانیا در این جنگ در برابر چهارصد نفر تفنگچی تنگستانی که با تفنگ‌های فیتیله‌ای مسلح بودند، جنگید. پس از تسلط نیروی مستعمراتی بریتانیا بر بندر بوشهر حکومت نظامی برقرار شد. خبر پیشرفت نیروی مهاجم انگلیس در جنوب و یأس ناصرالدین شاه از مقاومت در برابر آنان وی را به قبول انعقاد قرارداد ننگین پاریس، در سال ۱۲۷۳ه.ق/۱۸۵۷م. نمود.^۳

با آغاز جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۳۳ه.ق/۱۹۱۵م. انگلستان برای بار سوم به بوشهر هجوم آورد که این بار هم منجر به قیام تنگستانی‌ها و مردم جنوب ایران علیه ایشان شد. انگلیس که در عرصه جنگ و درگیری با مجاهدین جنوب به تنگ آمده بود، سعی کرد تا با حيله و از طریق جاسوسان خود، رئیس علی دلواری، فرمانده مردم بوشهر را به قتل برساند^۴ و به این ترتیب به حضور خود در بوشهر در طول سال‌های جنگ اول جهانی در بندر بوشهر ادامه داد.

۱. همان، ص ۷۷۶.

۲. رضا دشتی، همان، ص ۷۲.

۳. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸-۲۳۱.

۴. رضا دشتی، همان، ص ۷۴.

منابع و مأخذ

- آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴.
- استفان رای، گرمون، چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه، قم: همسایه، ۱۳۷۸.
- اسدپور، حمید، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۷۸.
- افشار سیستانی، ایرج، پژوهش در نام شهرهای ایران، تهران: روزنه، ۱۳۷۸.
- -----، خلیج فارس و کشورهای جنوبی آن، تهران: قلم آشنا، ۱۳۸۰.
- -----، نگاهی به بوشهر، ج ۱، تهران: نسل دانش، ۱۳۶۹.
- اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.
- توکلی مقدم، حسین، وجه تسمیه شهرهای ایران، تهران: میعاد، ۱۳۷۵.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
- دشتی، احمد، نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر، بوشهر: کنگره بزرگداشت یکصدمین سالگردتاسیس مدرسه سعادت، ۱۳۷۸.
- دشتی، رضا، تاریخ اقتصادی- اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، تهران: پازینه، ۱۳۸۰.
- زارعی، بهادر، عبدالصمد دولاح، بوشهر در امنیت ملی اسلامی ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۸۶.
- زنده دل، حسن، استان بوشهر، تهران: ایرانگردان، ۱۳۷۷.
- سعادت، محمدحسین، تاریخ بوشهر، تصحیح عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
- سیوری، راجرز.ام، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۷.
- شهیدی مازندرانی، حسین، فرهنگ نام‌های جغرافیایی باستانی ایران و سرزمین‌های همسایه، تهران: بلخ، ۱۳۹۱.

۵۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- عبدالامیر، امین، منافع بریتانیا در خلیج فارس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- فلور، ویلم، تاریخ بوشهر از صفویه تا زنده، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: شروع، ۱۳۸۹.
- -----، حکومت نادرشاه به روایت منابع هلندی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۶۸.
- -----، ظهور و سقوط بوشهر، مترجم حسن زنگنه، تهران: طلوع دانش، ۱۳۸۷.
- لاکهارت، نادرشاه، ناپلئون شرق، سخنرانی دکتر لاکهارت در انجمن همایونی آسیایی لندن، تهران: بنیاد، ۱۳۶۹.
- لسترنج، گی، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- لوریمر، ج.ج، راهنمای خلیج فارس تاریخ و جغرافیای بوشهر، ترجمه سید محمدحسن نبوی، شیراز: نویدشیراز، ۱۳۷۹.
- مارکوات، یوزف، ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس، تهران: طهوری، ۱۳۸۳.
- محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- مشایخی، عبدالکریم، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ، ایران در زمان نادر شاه، ج ۱، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۷.
- نوری‌زاده بوشهری، اسمعیل، نظری به ایران و خلیج فارس، بی‌نا، بی‌تا.
- وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- ویلسن، سر آرنولد، تاریخ خلیج فارس ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

مقاله

- برومند، صفورا، «رکود تجاری بوشهر و سواحل شمالی خلیج فارس به روایت اسناد شرکت هند شرقی بریتانیا ۱۸۰۰-۱۷۹۰ م» منتشر شده در مجموعه مقالات همایش ملی: نقش اسناد در تاریخ‌نگاری استان بوشهر، بوشهر: زمزه‌های روشن، ۱۳۹۰.